

نزدیکترین راه برای اصلاحات مذهبی

یکی از مسائل مهمه دینی که امروز افکار دانشمندان و بزرگان دین را بخود جلب کرده بطوریکه میتوان آن را در تعداد مسائل روز بحساب آورد عبارت از کیفیت اصلاح اجتماع ما مردم مسلمان میباشد زیرا بدیهی است که وضع ما مسلمانها امروز در قبال سیل خروشان کفر و بی دینی مانند تخته پاره ایست که در یک دریای سهمناک طوفانی گاهی بسمت راست و گاهی بطرف چپ متمایل بوده باشد و هر آن و هر دقیقه بیم آن رود که بطور ناگهانی با عمق دریا سقوط نموده و فرورفته و غرق شود آری این وضع کنونی اجتماع ماست و بهمین جهت بزرگان بعد از پی بردن باصل موضوع خواسته اند قدمی در راه اصلاحات برداشته و اشکال را بر طرف سازند تا بلکه بتوانند جمال واقعی دین را کدزیر پرده های خرافات و اوهام مستور گردیده بمردم بنمایانند، ما از خوانندگان محترم اجازه می خواهیم که قبل از ورود به این موضوع و بیان نزدیکترین راه اصلاح به یک بحث اساسی که میتوان آن را ریشه این بحث نام گذارد پردازیم و آن اینست که آیا اصلاح جامعه ای که باطل جای حق و خرافات جای واقعیات و بدیها جای خوبیها قرار گرفته ممکن است یانه، بعضی از مردم این اجتماع برای اینکه بتوانند نفسی بر راحتی بکشند و شانه از تکلیف و وظیفه دینی امر بمعروف و نهی از منکر خالی کنند اظهار می کنند که اصلاح وضع فعلی ما مسلمین بهیچ وجه قابل اصلاح نبوده و باید در قبال شیوع مفاسد و خراب کاریهای مردم بخدا عرض کرد ای خدا! امام زمان ما را برسان تا امام زمان نیاید اصلاح جامعه عمل نخواهد پوشید این عقیده گرچه ظاهری بس آراسته و زیبایی دارد

و شاید در نظر بعضی از مردم سطحی ماسلمان‌ها بسیار هم جلوه کند و بدون چون و چرا مورد قبول واقع گردد اما در واقع بسیار حرف بی‌اساس بوده و با اساس آن خواب‌های شیطانی و اضغاث احلام می‌باشد.

زیرا اگر بنا بود که فقط مادر قبایل منکرات این دو جمله را بخدا عرض کنیم و بس و بومین دو کلمه تکلیف از گردن ماساقط گردد پس ايجاب امر بمعروف و نهی از منکر در قرآن مجید و اخبار و روایات رسیده از نبی اکرم و ائمه هدی علیهم السلام چه معنی داشت اینها کسانی هستند تن پرور و بی‌خبر از حقائق دینی و بی‌اطلاع از اندازه تأثیر سخن و تبلیغات.

و بعضیها ادله دیگری برای ممکن نبودن اصلاحات ذکر می‌کنند که فعلا از ذکر آن‌ها و جواب از آنها بعللی که شاید بعدها مکشوف گردد خود دارای می‌شود یگانه دلیل ما برای امکان اینست که بشر در تاریخ و ادوار زندگی خود نشیب فرازهایی را دیده و همیشه در طوفان حوادث گرفتار بوده است و خلاصه بشر بدتر از این اوضاع را دیده و مشاهده نموده. و دیده که در هر دوره يك شخص یا اشخاصی بنام مصلح قیام کرده و گهواره اجتماع را بطرف اصلاح کشیده و بر خراب کاریها خاتمه داده است و باحر به سخن دندان او هام بد کاران و بی‌دینان را شکسته و همه را خاموش گردانیده است. این عصر ما را هم اگر مانند اعصار و قرون گذشته فرض کنیم باز هم قابل اصلاح است. در اینجا باین بحث خاتمه داده و به بحث دوم «نزدیکترین راه برای اصلاحات» پردازیم در اینجا اگر چه دانشمندان قلم فرسائیها کرده و زحمات قابل توجهی را متحمل گردیده‌اند اما متأسفانه مطلب را از وسط گرفته و بهمین جهت نتیجه چندان بدستشان نرسیده و بالاخره به بحث عقیم مانده است بنده برای اینکه عقیده شخصی خود را در این موضوع شرح داده و روشن کنم ناچارم قبلا از بعض عقائد در این موضوع شرحی دهم و نقطه ضعف آنها را روشن سازم و سپس به عقیده خود پردازم

عقائد و نظریات در باره اصلاحات

آراء و عقایدی را که ما میتوانیم در اینجا مورد بحث قرار دهیم شاید

باندازه باشد که برای ما امکان نداشته باشد همه آنها را نقل و سپس نظریه خودمان را در چگونگی آنها شرح دهیم لذا عمده اقوال را نقل و حال بقیه آنها هم در خلال کلمات معلوم خواهد گشت؛ عمده ای گویند بیگانه راه منحصر بفرصت اصلاح مفاسد عبارت از الحاق قوای مقننه بقوای مجریه است این عقیده گرچه مستلزم است به برچیده شدن بساط علنی شهوت رانیها و خرابکاریهای اجتماع و گفتن تنها الحاق قوای مجریه نمیتواند از مفاسد درونی و سری و پنهانی مردم چیزی را بکاهد زیرا تنها حکومت و تسلط نیروی اجرائی بظاهر مردم خواهد بود و اما احترام مردم از تزویر و حیله و مکر و شیطنت و خیانت و اندیشه های شوم و فاسد هیچ ربطی بقوای مجریه نداشته و ندارد و علاوه بر این مامی بینیم بیغمبر عظیم الشان ما بقسمتی مهم از اصلاحات در ایام اقامت خود در مکه دست زد و پیشرفت های قابل توجهی هم نمود بدون اینکه قوای مجریه در کار بوده باشد که بوی کمک کرده و پشتیبانی کنند. عمده دیگری گفته اند که راه اصلاح عبارت از اصلاح هر فرد از افراد مردم. وقتی افراد اصلاح شدند قهراً جامعه که از وجود افراد تشکیل یافته و خودش وجود دیگری بطور استقلال ندارد اصلاح خواهد شد، این نظریه اشکال را از وسط برداشته توضیح اینکه درست است اصلاح جامعه متوقف بر اصلاح افراد است و در این قسمت هیچ عاقلی تردید نمی تواند داشته باشد ولیکن اشکال بصورت دیگری عود میکند که خوب اصلاح افراد بچه صورت باید در خارج تحقق پذیرد؟ و نظریه سوم نظیر همین عقیده فوق است که راه نجات از مفاسد عبارت از اصلاح طبقه حاکمه و فاضله است که طبقات دیگر مردم تابع همین طبقه است وقتی اصلاحات در طبقات بالا شروع شد در سایر طبقات هم خود بخود مانند يك دستگاہ خود کار شروع خواهد گردید و بعقیده خود و برای اثبات آن متمسک شده اند

بفرمایش امیر المؤمنین علی علیه السلام در ضمن یکی از خطبات نوح البلاغه که میفرماید: فلیست تصلح الرعیة الا بالصلاح الولایة الخ رعیت قابل اصلاح نمی باشد مگر در صورتیکه فرمانروایان و پیشروان قافله بشری در رتبه جلوتر اصلاح گردند

اعتقاد

در اینجا هم اگر کسی بگوید: خوب راه اصلاح طبقه حاکمه که متوقف

علیه طبقه مادون است چه می باشد؛ و از اینست که پیروان این عقیده هم مانند نظریه پیشین موضوع و شبهه را از وسط گرفته و حل کرده اند و اما فرمایش علی علیه السلام ربطی بما نحن فیه ندارد زیرا آن حضرت در مقام بیان این معنی هست که مردم بهم دیگر می نگرند و وقتی عدهی دیگر را نهی دیدند که براه اصلاح آمده و بکلی پشت و پا بکارهای دیروزی خود زده اند قطعاً اصلاح آنها اثر خود را در روحیه اشخاص تماشاکن خواهد بخشید، اما راه اصلاح چه می باشد فرمایش آن بزرگوار اجل از این است و لذا در جمله بعدی میفرماید و لاتصلح الولاة الا باستقامة الرعینة بزرگان هم با بدامره عدالت و دادند خواهند گذاشت مگر در صورتیکه رعایا را به بینند که مستقیم گشته اند و بنجر آبکاریهای خود خاتمه داده اند (عقیده چهارم) آنچه نسخ از دین نیست و بنام دین شناخته شده: مسلم است وقتی او هام و خرافاتی که برده مانند روی جمال در بای دین را گرفته و همین طور وضع ادامه پیدا کند قطعاً اوضاع روز بروز وخیم تر و بدتر خواهد شد و مردم دور دست که از خصوصیات و مزایای دینی اطلاع ندارند وقتی این خرافات را دیدند قضاوت خود را در باره دین روی آنها قرار داده و در نتیجه هم خودشان از دین دور خواهند افتاد و هم معمای دین برای اینگونه اشخاص غیر قابل حل خواهد گشت و هم وسیله فریب و گول زدن مسلمانان ساده لوح خواهند گشت پس این موضوعات برای مامسلم وثابت و روشن می کند که چگونه راه اصلاح همانا معرفی و ترویج حقایق اسلام و دو انداختن خرافاتی است که دشمنان اسلام، به اسلام چسبانیده و روح رسول خدا و ائمه اطهار و پیشوایان بزرگوار را جریحه دار نموده اند